


نوع مقاله: ترویجی

بررسی تطبیقی شخصیت معاویه در تاریخ و ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم

علی ملکوتی نیا / دکترای تخصصی علوم و معارف نهج‌البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث

alim2200@gmail.com
mq0452@gmail.com orcid.org/0009-0005-8757-7455

مجتبی قراباغی / کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

چکیده

هدف اساسی جستار حاضر، بررسی تطبیقی شخصیت معاویه (پسر ابوسفیان) براساس داده‌های تاریخی و ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم است. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند با مطالعه و بررسی گزارشات تاریخی، تصویر جامعی از ابعاد شخصیتی (شناختی، اعتقادی، گرایشی، اخلاقی و رفتاری) معاویه به‌دست دهند. این تحقیق به شیوه تحلیل محتوای کیفی متعارف به‌دسته‌بندی و بررسی گزاره‌های تاریخی مربوطه پرداخته است. نتیجه آنکه؛ معاویه، در بُعد شناختی، گرفتار جهالت، سفاهت و گمراهی است؛ و در بُعد اعتقادی، منکر اسلام بوده، در ساحت گرایشی نیز تمایل به دشمنان خدا (مشرکان و کفار) داشته و پشتیبانی از آنها، همت اساسی او بوده است. اخلاق و رفتار فاسد او هم حکایت‌گر مزرعه‌ای آفت‌زده و پُر از علف‌های هرز و مسموم‌کننده است که نتیجه‌اش مقابله با مظاهر دین اسلام و مذهب علوی است. از این جهت شرح حال ایشان مطابقت اساسی با تیپ شخصیتی منافقان در آئینه قرآن کریم دارد. شناخت شخصیت این‌گونه از منافقان و مخالفان حکومت اسلامی می‌تواند راهنما و راه‌گشای حاکمان و مسئولان نظام اسلامی در مواجهه با حوادث مشابه باشد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت‌شناسی معاویه، مخالفان حکومت علوی، قاسطین، تطبیق شخصیت معاویه با منافقان، قرآن، نهج‌البلاغه.

مقدمه

مطالعات و بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد پس از قتل عثمان و آغاز بیعت مردم با امیرمؤمنان علی^{علیه السلام}، شماری از بزرگان اهل قریش، یا با آن حضرت بیعت نکردند و یا اگر بنا به انگیزه‌های سیاسی مجبور شدند با او بیعت کنند، در باطن، دشمنی و بغض او را در دل می‌پروراندند و از همکاری با حکومت علوی سر باز زده و پیوسته مترصد ضربه‌زدن به او و براندازی حکومتش بوده‌اند. به این دلیل، سرچشمه و سرنخ بسیاری از توطئه‌ها، فتنه‌ها، آتش‌افروزی‌ها علیه حکومت علوی، افراد و گروه‌ها و احزابی از اعراب و قریشیان مقیم مکه و مدینه است. حسادت‌ورزی و برتری‌جویی نسبت به خاندان پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و کینه‌توزی و انتقام‌جویی اعراب و قریش، هواپرستی و خودخواهی، ریاست‌طلبی، عدم تحمل عدل علوی و مواردی دیگر، از جمله انگیزه‌های آنها در مخالفت با حکومت علوی بوده است (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۷۹).

در این میان، می‌توان از افرادی همچون: معاویه، اشعث بن قیس کندی، مغیره، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر، محمد بن مسلم، مروان بن حکم و امثال آنها به‌عنوان معاندان و مخالفان در مقابل حکومت امام علی^{علیه السلام} نام برد.

آنچه در موضوع مخالفت با حکومت علوی از اهمیت بیشتری برخوردار است، پی‌گیری و بررسی نقش معاویه (پسر ابوسفیان)، در فرایند این مخالفت‌هاست؛ زیرا بر هر پژوهشگر آگاه و منصف روشن است که تحولات تاریخی حیات سیاسی امام علی^{علیه السلام} بیش از دیگران با نام معاویه گره خورده است. این پیوند به‌گونه‌ای است که در حکومت علوی هر جا سخن از فتنه، آشوب و مخالفت‌های کینه‌توزانه است، نشانی از اقدامات خصمانه معاویه وجود دارد.

معاویه، نخستین خلیفه امویان بود که از آنان در تاریخ به «قاسطین» یاد شده است. قاسط، در لغت به کسی گفته می‌شود که مخالف عدل بوده و ستمگری می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۶۰). قرآن کریم نیز از ستمگرانی که مخالف قسط و عدل هستند، به‌عنوان «قاسطون» یاد کرده و به آنان وعده جهنم می‌دهد: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (جن: ۱۵)؛ و اما منحرفان از حق، مسلماً هیضم جهنم خواهند بود.

امویان نیز از جمله به‌صورتین و تأثیرگذارترین مخالفان حکومت قسط و عدل بوده‌اند که اقدامات آنها، پیامدهای پرشماری در تاریخ

اسلام به‌دنبال داشته است. شاید بدین جهت امام علی^{علیه السلام} بعد از جنگ با خوارج با نگاهی آینده‌نگرانه، خطرات امویان را گوشزد کرده و فتنه بنی‌امیه را ترسناک‌ترین فتنه‌ها معرفی کرد؛ فتنه‌ای کور و ظلمانی که مصیبت و بلایش همه‌جا را فرا خواهد گرفت؛ «إِنَّا إِنَّا أَخَوْفَ الْفِتَنِ عِنْدِي عَلَيْكُمْ فِتْنَةُ بَنِي أُمَيَّةَ إِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ مُظْلِمَةٌ مُطَيَّنَةٌ عَمَّتْ فِتْنَتُهَا وَ حَصَّتْ بَلِيَّتُهَا وَ أَصَابَ الْبَلَاءُ مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا وَ أَخْطَأَ الْبَلَاءُ مَنْ عَمِيَ عَنْهَا يَظْهَرُ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا وَ بِدْعًا» (تقی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۷؛ نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۹۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۴۴).

معاویه کسی است که در سال هجدهم قمری پس از مرگ برادرش یزید، به‌جای او حکومت دمشق، فلسطین و نواحی آن را به‌دست آورد. بعد از مرگ ابوبکر و عمر بن خطاب، عثمان نیز مجدداً معاویه را در منصب خود ابقا کرد. بدین ترتیب معاویه در حدود ۲۰ سال حکومت، به‌تدریج در شام، قدرت و محبوبیت خاصی یافت (یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵)؛ ولی امام علی^{علیه السلام} در آغاز حکومت خود، با قاطعیت، او را به‌همراه کارگزاران فاسد و نالایق عثمان، از قدرت برکنار کرد (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۶۲). به این جهت، او با بیعت نکردن با امام علی^{علیه السلام} و به بهانه خونخواهی عثمان، پرچم مخالفت با حکومت علوی را برافراشت و در نتیجه جنگ صفین را به‌وجود آورد.

براساس گزارش‌های تاریخی، معاویه با فرستادن افرادی از سپاهیان خود به درون قلمرو حکومت امام علی^{علیه السلام} به ایجاد آشوب و اغتشاش می‌پرداخت که بخشی از آن در کتاب الغارات ابن‌هلال تقی اصفهانی (متوفی ۲۸۳ق)، منعکس یافته است. درون‌مایه مکتوباتی هم که معاویه در طول حکومت امام علی^{علیه السلام} برای ایشان نوشته (ر.ک: مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۳۳، ص ۱۵۷-۱۵۸)، به‌روشنی حکایت‌گر آن است که او بیعت عمومی مردم با امام را زیرسؤال برده و به‌طور همه‌جانبه انکار کرده است؛ دیگر آنکه با دعوت حضرت به جنگ، مخالفت رسمی خود را با حکومت علوی، آشکار کرده و خود را برای براندازی حکومت مهیا ساخته است (منقری، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۱؛ هلالی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۶۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۲۴۷). وی افزون بر توطئه‌های خود، طلحه و زبیر را نیز تشویق به نقض بیعت و جنگ با امام علی^{علیه السلام} کرد. می‌توان گفت که او علاوه

بر جنگ صفین، در دو جنگ جمل و نهروان نیز نقش داشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷).

همچنین سلیم بن قیس هلالی در گزارش برنامه بیست‌ساله معاویه بر ضد حکومت و ولایت امام علی علیه السلام چنین نقل می‌کند: «معاویه، قاریان اهل شام و قاضیان آن را فراخواند و به آنان اموالی داد و ایشان را در نواحی و شهرهای شام پراکنده ساخت. آنان هم مشغول به نقل روایات دروغین شدند. آنان طبق دستور معاویه به مردم چنین خبر می‌دادند که علی، عثمان را کشته و از ابوبکر و عمر بی‌زاری می‌جوید و معاویه خون عثمان را طلب می‌کند و ابان (پسر عثمان) و فرزندان دیگر عثمان نیز همراه اویند. بدین‌وسیله اهل شام را به معاویه متمایل کردند و همه اهل شام متفق‌الکلمه شدند... معاویه این برنامه را در طول بیست سال ادامه داد؛ تا آنجا که خردسالان با این برنامه بزرگ شدند و بزرگسالان نیز پیر شدند» (هلالی، ۱۳۷۳، ص ۴۰۵-۴۰۶).

با این توضیح، مخالفت‌های معاویه با حکومت علوی و ایجاد تنش و فتنه در دوران امامت امام علی علیه السلام بر کسی پوشیده نبوده و نیازی به اثبات مجدد ندارد. لکن سؤال اساسی در پژوهش حاضر آن است که اقدامات خصمانه از سوی معاویه در مخالفت با حکومت علوی، معلول چه نوع خصلت‌ها و صفاتی بوده است؟ درحقیقت، براساس داده‌های تاریخی، معاویه از چه نوع شخصیت فردی و اجتماعی برخوردار است که این‌گونه به‌صورت تمام‌قد در مقابل حکومت اسلامی ایستاده و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار نکرده است؟ شناخت شخصیت این‌گونه از مخالفان حکومت اسلامی، می‌تواند راهنما و راهگشای حاکمان و مسئولان اسلامی در مواجهه با حوادث مشابه باشد.

نوشتار حاضر برای رسیدن به پاسخی درخور، کتاب *الغدیر* علامه امینی (را به‌عنوان منبع واسطه و راهنما، جهت دستیابی به منابع اصیل تاریخی، مطمح‌نظر قرار داده و با مطالعه تفصیلی آن، داده‌های ارزشمند به‌دست‌آمده از آن را بررسی و تحلیل کرده است. نوشتار پیش‌رو با سایر پژوهش‌هایی که درباره معاویه به‌نگارش درآمده (بشیر و جانی‌پور، ۱۳۸۸؛ اسلامی خرمی، ۱۳۸۹؛ مبلغ و دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶)، از جهت روش تحقیق، منابع اطلاعات و هدف‌گذاری، متفاوت است؛ زیرا این نوشتار ضمن دسته‌بندی و تحلیل محتوای داده‌های تاریخی خاص، هدف متمایزی را دنبال می‌کند و آن کشف شخصیت فردی و اجتماعی معاویه، از آن نظر، که دشمنی تمام‌قد در مقابل حکومت اسلامی است.

افزون بر آن، نگارندگان کوشیده‌اند تا براساس تحلیل داده‌های تاریخی معتبر از طریق گزارشات علامه امینی در *الغدیر*، به این هدف مهم دست یابند؛ چراکه اغلب مصادر و منابع کتاب *الغدیر* در گزارش ویژگی‌های شخصیتی معاویه از کتاب‌های معتبر اهل سنت است؛ از این نظر در معرفی معاویه می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. همچنین نویسندگان در پایان تلاش می‌کنند به‌صورت اجمالی خصوصیات و مؤلفه‌های شخصیت معاویه - که از گزاره‌های تاریخی به‌دست آمده است - را به‌صورت اجمالی بر آیات نفاق قرآن کریم تطبیق دهند.

این تحقیق در جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل داده‌های تاریخی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرد؛ تا از طریق نظام‌مند کردن آنها [در سه مرحله کدگذاری باز، طبقه‌بندی مفاهیم و انتزاع مضمون] به هدف خود نائل شود. از تحلیل محتوا چندین تعریف ارائه شده است که به چند نمونه (به‌نقل از: عادل مهربان، ۱۳۹۴، ص ۲-۳) از آنها اشاره می‌شود: از نظر وینر، تحلیل محتوا شیوه‌ای منظم و تکرارپذیر برای جمع‌بندی کلمات متعدد موجود در متن و تبدیل آنها به دسته‌های کوچک‌تر و واضح‌تر [براساس قانون کدگذاری] است. سیه و شانون، تحلیل محتوا را یک شیوه تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های موجود در متون از طریق فرایند دسته‌بندی منظم و تعیین مضامین الگوها می‌دانند.

براساس نظریه سیه و شانون، رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱. تحلیل محتوای متعارف (عرفی) و قراردادی؛ ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار؛ ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

در این پژوهش از رویکرد «تحلیل محتوای متعارف» استفاده شده است. در این نوع از تحلیل محتوا از به‌کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته تئوریک پرهیز می‌شود و در عوض، تربیتی اتخاذ می‌گردد که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. بنابراین از طریق استقراء، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. در این رویکرد، محقق براساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌کند و این کار ادامه می‌یابد تا رمزها [مفاهیم] از متن ظهور یابد و سپس براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن مفاهیم به‌صورت‌های خوشه‌های معنا‌دار دسته‌بندی می‌شود. محقق می‌تواند با ترکیب و سازمان‌دهی این مقوله‌ها آنها را به

جسمی - روانی درون فرد اشاره دارد که افکار و رفتار فرد را تعیین می‌کند» (نیک‌صفت، ۱۳۸۶، به نقل از: آلپورت).

با این توضیح، آنچه در مجال حاضر مهم است آنکه، صفات درونی و رفتار بیرونی افراد، ابزار مناسبی برای شناخت شخصیت و شاکلهٔ درونی آنها محسوب می‌شود. در نتیجه شاید با بررسی گزاره‌های تاریخی در گزارش صفات و رفتارهای معاویه به‌عنوان سردستهٔ مخالفان امام علی^ع، بتوان به خصوصیات و ویژگی‌های اصلی جبههٔ مخالف و مقابل حاکمیت عدل علوی دست یافت.

۲. داده‌های تاریخی در معرفی شخصیت معاویه

مطالعهٔ مبسوط و روش‌مند منابع تاریخی براساس گزارش کتاب *التغییر* در موضوع معرفی معاویه، نشان داد معاویه به اعتراف دوستان و دشمنانش، کسی بود که از خصوصیات شناختی، اعتقادی، اخلاقی و رفتاری ذیل برخوردار بود:

ملعون، نبرد با خلافت امام معصوم^ع، ستم در قضاوت، موجب خونریزی و اختلاف، سرپیچی، تبهکاری، سرگردانی در گمراهی، تقلید کورکورانه، برخوردار از تمایلات بدعت‌آمیز، سبک‌سری، نفاق، قساوت، نابخردی، بُزدلِ رذل، ادعای باطل، فریب‌کاری، دروغ‌پردازی، غفلت، خوش‌گذرانی، در اختیار شیطان، تحقیر مردم، تکذیب اسلام، نافرمانی خدا، رشوه‌خواری، شیطان‌مطروود، پناهگاه منافقان، توطئه بر ضد دین خدا، شرارت، افراط، ضایع کردن حق دیگران، دشمن خدا و پیامبر^ع و مسلمانان، تجاوز مسلحانه، پشتیبان مشرکان، دوست‌دار تبه‌کاران، بدزبان، پرخاشگر، بداخلاق، تجاوزگری به اهل بیت پیامبر^ع، خیانت، پیمان‌شکنی، زشت‌کاری، دیکتاتوری بدخواه، لجباز، قاتل مردان پاکدامن، شراب‌خواری، گران‌فروشی، بدعت‌گذاری، ترک سنت نبوی، ترک اجرای قانون جزای اسلامی، لعن به امام علی^ع دشمنی با دین علی^ع، دستور به قتل و مُثله‌کردن شیعیان، ریاست‌طلبی، قتل شیعیان امام علی^ع از جمله: حُجر، عمروبن‌حمق و خضرمی، و... همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هریک از مفاهیم (کد) یادشده نشانگر بُعدی از شخصیت معاویه است که در مرحلهٔ نخست از میان داده‌های تاریخی بدان دست یافته‌ایم و متن گزارش‌های تاریخی به‌همراه مستندات آن در ادامه، ضمن جدول (۱) آمده است.

شمار کمتری از دسته‌بندی [مقوله] تبدیل کند. در مرحلهٔ بعدی تعاریفی برای هر مقوله و زیرمقوله و رمز صورت می‌گیرد. در نهایت مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست، حاصل می‌آید. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی براساس رویکرد متعارف، به‌دست‌آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل کردن مقوله یا نظریه‌های از پیش تعیین شده است (همان).

۱. تحلیل شخصیت افراد با رویکرد صفات و رفتار

یکی از مباحث مهم در آیات و روایات این است که شخصیت افراد براساس صفات و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنان توصیف و طبقه‌بندی شده است. در متن قرآن و حدیث، صفت مؤمن، کافر و منافق برای اشاره به سه تیپ شخصیتی به‌کار رفته و برای هر کدام نشانه‌ها و شاخص‌هایی بیان شده است (ر.ک: بقره: ۳-۲۰؛ نساء: ۱۴۲-۱۴۳؛ انفال: ۲-۴؛ توبه: ۷۴-۷۵ و ۱۰۷؛ منافقون: ۱؛ حشر: ۱۱). به‌عنوان مثال؛ قرآن کریم در معرفی منافقان به ویژگی‌ها و اوصافی چون: خُلف وعده (توبه: ۷۵)، دروغ‌گویی (منافقون: ۱)، تفرقه‌اندازی میان مسلمانان (توبه: ۱۰۷)، بازداشتن مردم از راه خداوند (منافقون: ۲)، توطئه‌چینی برای ترور و براندازی نظام اسلامی (توبه: ۷۴)، پیمان‌شکنی (حشر: ۱۱-۱۲)، تحریک دشمن برای جنگ با مسلمانان (حشر: ۱۱)، و نظایر آن اشاره می‌کند تا صفوف آنان از مؤمنان، متمایز گردد.

تبیین شخصیت براساس صفات، دغدغهٔ اصلی و رویکرد غالب عالمان و فیلسوفان اخلاق، همچون *افلاطون*، *ارسطو*، *ابن‌سینا*، *غزالی*، *فیض کاشانی*، *نراقی* و دیگران نیز بوده است (شجاعی، ۱۳۸۸)؛ تا اینکه امروزه شاهد شکل تکامل‌یافتهٔ آن در نزد روان‌شناسان با عنوان «روان‌شناسی شخصیت» هستیم، که در طول سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰م توسط *گوردن آلپورت* و سپس با تلاش‌های دیگران رسمیت یافته است. آلپورت تلاش کرد تا نظریهٔ شخصیتی را بسازد که صفات در آن نقش برجسته‌ای داشته باشد (شولتز، ۱۳۹۵، ص ۳۱۴).

شخصیت که از واژهٔ لاتینی پرسونا (Persona) گرفته شده است، به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش به صورت خود می‌زدند و مراد از این لفظ، آن ظاهر بیرونی و چهرهٔ علنی فرد است که اطرافیان آن را در قالب گفتار، رفتار و حالت‌های گوناگون مشاهده می‌کنند. و در اصطلاح، شخصیت به «سازمان پویای نظام‌های

منبع فرعی	منبع اصلی	داده (متن گزارش)	مفهوم (کد)
ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۱۸	تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۳۵۷	پیامبر ﷺ ابوسفیان را که بر خری سوار بود و معاویه دهانه آن را می‌کشید و پسرش یزید آن را می‌راند، دید و فرمود: خدا دهانه‌کش و سوار و ستوران را لعنت کند.	ملعون
ترجمه الغدير، ج ۲، ص ۷۹	ربیع الأبرار، زمخشری، باب ۴۱	معاویه به حج رفت و در آنجا در جست‌وجوی زنی برآمد که دارمیّه حج‌نیه نامیده می‌شد. نام‌برده از شیعیان علیؑ بود؛ زنی بود سیاه‌چرده و تنومند. پس از آنکه به نزد معاویه آمد... معاویه گفت: می‌خواستم از تو بپرسم که چرا علی را دوست‌داری و مرا دشمن هستی و از او پیروی می‌کنی و با من دشمنی می‌نمایی؟ گفت:... من علیؑ را دوست می‌دارم برای اینکه در میان رعیت عدالت را اجرا می‌کرد و قسمت را به‌طور مساوی انجام می‌داد، و تو را دشمن می‌دارم برای اینکه با کسی که به امر خلافت سزاوارتر از توست، نبرد کردی و چیزی را می‌جستی که از آن تو نیست و از علیؑ پیروی کردم برای اینکه رسول خدا ﷺ در غدیر خم و با حضور تو رشته ولایت او را منعقد فرمود، و برای اینکه آن‌جناب مسکینان را دوست می‌داشت، و اهل دین را بزرگ می‌شمرد، و با تو دشمن هستم برای اینکه موجب خونریزی و اختلاف کلمه شدی و در قضاوت ستم کردی و به‌دلخواه خود، داوری کردی!	نبرد با خلافت امام معصومؑ ستم در قضاوت موجب خونریزی و اختلاف
ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۲۱	تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۳۵۷؛ کتاب صفین، نصر بن مزاحم، ص ۳۴۳	معاویه در تابوتی از آتش در پایین‌ترین طبقه دوزخ است و از آنجا داد می‌زند: ای خدای پر مهر! ای خدای نعمت‌بخش! اینک به دادم برس که قبلاً سرپیچی کردم و از تبه‌کاران بودم!	سرپیچی تبهکاری
ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۳۳	شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۵۷	امام علیؑ در نامه‌ای به معاویه می‌نویسد: «نامه‌ات رسید. دیدم مقصودی برتر از آنچه در خور توست داری، و به‌دنبال چیزی غیر از گمشده خویشی، و کورکورانه می‌لولی و در گمراهی سرگردانی، و نه به‌دلیل محکم چنگ انداخته‌ای و به سست‌ترین گمان‌ها آویخته‌ای. پناه بر خدا! چقدر به سختی به تمایلات بدعت‌آمیز چسبیده‌ای و به سرگستگی‌ای که تاکنون مورد پیروی قرار گرفته؛ به‌علاوه پایمال کردن حقایق و ترک اسناد و موازینی که خدا به موجبش بازخواست خواهد کرد و برای بندگانش حجت به‌شمار می‌آید.	سرگردانی در گمراهی تقلید کورکورانه برخورداری از تمایلات بدعت‌آمیز
ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۳۳	شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۴۱۱؛ ج ۴، ص ۵۱	امام علیؑ در نامه‌ای دیگر به معاویه می‌نویسد: «ای پسر صخر! ای پسر ملعون! ادعا کرده‌ای که بردباریت به‌قدر کوهساران است، و دانشات میان شک‌داران مایه تمیز و حل و فصل است؛ حال آنکه تو سبک‌سری منافقی و دل‌گرفته و دل‌ناپذیر، نابخرد، و بزدلی رذل	سبک‌سری نفاق قساوت نابخردی بزدل رذل
ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۳۳	نهج‌البلاغه	امام علیؑ در نامه‌ای دیگر چنین می‌نویسد: «... تو در ادعاهای باطلت، همان شیوه دیرینه پیشینیان را پیروی کرده‌ای و در ارتکاب فریب‌ها و دروغ‌ورزی‌ها از قماش اینکه خصال را که به آن دسترسی نداری به‌خود بچسبانی و آنچه را از اختیار تو بیرون است، در اختصاص خویش بدانی تا از قانون اسلام خود را خلاص کنی!...	ادعای باطل فریبکاری دروغ‌پردازی

غفلت	به تو اطلاع می‌دهم که چه باعث گشته تو در غفلت بمانی؟ آن علت	کتاب صفین، ص ۱۲۲؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۴۱۲	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۳۴
خوش‌گذرانی	در این است که تو خوش‌گذران و عشرت‌طلبی و شیطان توانسته تو را		
در اختیار شیطان	در اختیار گیرد و در وجودت بسان خون در بدن، جریان یابد.		
تحقیر مردم	امام علیؑ در نامه‌ای به عمروبن العاص می‌نویسد: «با معاویه در کار	کتاب صفین، ص ۱۲۴؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ج ۴، ص ۱۱۴	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۳۷
تکذیب اسلام	ناروایش همراهی نکن؛ زیرا معاویه مردم را حقیر شمرده و اسلام را نابخردانه خوانده است.		
دروغ‌ساز	امام علیؑ در نامه‌ای به محمدبن ابی‌بکر و مردم مصر می‌نویسد:	شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۶؛ جمهرة الرسائل، ج ۱، ص ۵۴۱	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۳۷
گمراه‌کننده	«از تبلیغات آن دروغ‌ساز پسر هند برحذر باشید، و بیندیشید و بدانید که امام هدایت‌گر و پیشوای گمراه‌گر برابر نیستند».		
نافرمانی خدا	امام علیؑ در جواب محمدبن ابی‌بکر چنین نوشت: «نامه معاویه	تاریخ طبری، ج ۶، ص ۵۸؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۳۲	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۳۸
رشوه‌خواری	زشت‌کار زشت‌کارزاده و عمرو زشت‌کار کافرزاده را خواندم. آن دو که در نافرمانی خدا به هم علاقه می‌ورزند، و در کار حکومت و رشوه‌خواری در حکومت باهم توافق دارند و در زندگی دنیا نکوهیده سیرت‌اند».		
شیطان مطرود	در نامه‌ای به زیادبن ابیه، چنین می‌فرماید: «معاویه شیطان مطرود را می‌ماند که به انسان از برابر و از پشت و از چپ و راست رو می‌آورد. بنابراین از او برحذر باش و باز در احتیاط باش و باز هم در پرهیز باش، و السلام».	شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۶۸	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۳۳
پناهگاه منافقان	معاویه نامه‌ای به ابویوب انصاری صحابی و دوست پیامبر خداﷺ نوشت. ابویوب آن را به علیؑ اطلاع داد و چنین گفت: ای امیرالمؤمنین! معاویه پناه‌گاه منافقان، نامه‌ای به من نوشته است.	شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۸۰	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۴۴
توطئه بر ضد دین خدا	محمدبن ابی‌بکر به معاویه می‌نویسد: «... تو ملعونی فرزند ملعون، وانگهی تو و پدرت پیوسته بر ضد دین خدا توطئه چیده‌اید و برای خاموش کردن مشعل خدائی اسلام تلاش کرده‌اید و در این راه، سپاهسانی گرد آورده‌اید، و پول‌ها خرج کرده‌اید و پیمان‌ها با قبائل بسته‌اید و پدرت در حال این‌کار، مرد و تو جانشینش شدی و ادامه‌دهنده کارش».	مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۹؛ کتاب صفین، ص ۱۳۲؛ شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۸۳؛ جمهرة الرسائل، ج ۱، ص ۵۴۱	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۴۶
شرارت	مع‌بن یزیدبن اخنس سلمی صحابی که از مجاهدان «بدر» است به معاویه می‌گوید: «هیچ زن قریشی از مردی قریشی، شریرتر و بدتر از تو به دنیا نیاورده است».	الإصابة فی تمييز الصحابة، ج ۳، ص ۴۵۰	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۴۷

<p>قاتل حُجر، عمرو بن حمق و حضر می</p>	<p>امام حسین <small>علیه السلام</small> در نامه‌ای به معاویه نوشت: «مگر تو نبودی که حجر و یاران عابد و سر به راه حق سپرده‌اش را کشتی، همانان را که از بروز بدعت نگران و بی‌تاب می‌گشتند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند؟! آنان را پس از تعهدات محکم و تضمین‌های مطمئن، به طرز ظالمانه و تجاوزکارانه کشتی؛ در برابر خدا گستاخی ورزیدی و عهده‌ی را که در برابرش، با او بسته بودی به چیزی نشمردی. مگر تو قاتل عمرو بن حُمق نیستی؛ همان که از کثرت عبادت صورت و پیشانی‌اش پینه بسته و نقش برداشته بود. او را پس از تعهدات و تصمیم‌هایی کشتی که اگر به حصار گشتگان داده می‌شد از کوهساران به زیر می‌آمدند؟!... مگر تو آن حضر می را نکشتی که درباره‌اش زیاد به تو گزارش داده بود که دارای دین علی - کرم الله وجهه - است. و دین علی همان دینی است که پسر عمویش داشته است و همان دین که تو به نامش بدان مقام که هستی نشستهای!».</p>	<p>الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۳۱؛ جمهرة الرسائل، ج ۲، ص ۶۷</p>	<p>ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۴۹</p>
<p>افراط ضایع کردن حق دیگران</p>	<p>امام حسین <small>علیه السلام</small> به معاویه گفت: «آن قدر در ترجیح برخی حرف زدی و زیاده گفتی که افراط کردی، و چندان بعضی را صاحب امتیاز و افتخار شمردی، که حق دیگران را ضایع کردی!...».</p>	<p>الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۵۳؛ جمهرة الخطب، ج ۲، ص ۲۴۲</p>	<p>ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۵۱</p>
<p>دشمن خدا، پیامبر و مسلمانان تجاوز مسلحانه پشتیبان مشرکان دوستدار تبه کاران</p>	<p>عمار یاسر، در اثنای جنگ صفین می‌گوید: «مسلمانان! می‌خواهید کسی را تماشا کنید که با خدا و پیامبرش دشمنی کرده و علیه آنها تلاش کرده و علیه مسلمانان به تجاوز مسلحانه دست زده است و از مشرکان پشتیبانی کرده است؛ و وقتی خدا خواسته دینش را حمایت و نمایان گرداند و پیامبرش را یاری دهد، او آمده پیش پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و اظهار مسلمانی کرده است؛ درحالی که به خدا قسم! نه از روی میل، بلکه از ترس چنین کرده و هنگامی که پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> رحلت کرده، به خدا قسم می‌دانسته‌ایم که او دشمن مسلمانان و دوست‌دار تبه کاران بوده است؟ هان! آن شخص، معاویه است. بنابراین او را لعنت کنید: خدا لعنتش کند. و با او بجنگید؛ زیرا از کسانی است که مشعل دین خدا را خاموش ساخته و دشمنان خدا را پشتیبانی می‌کنند».</p>	<p>تاریخ طبری، ج ۶ ص ۷، کتاب صفین، ص ۲۴۰؛ تاریخ الکامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۳۶</p>	<p>ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۵۲</p>
<p>بدزبان پرخاشگر بداخلاق تجاوزگری به اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small></p>	<p>امام حسن بن علی <small>علیه السلام</small>: «ای معاویه! اینها نبودند که به من بد گفتند؛ بلکه این تو بودی که با همان بدزبانی‌ات که بدان خو گرفته‌ای، به من پرخاش کردی و با همان بدعقیدگی که بدان شهرهای و آن بد اخلاقی که در تو مزمین است و ریشه‌دار، و همان تجاوزگری تو به ما، که از روی دشمنی‌ات با محمد و خاندان اوست»</p>	<p>تذکرۃ الخواص، سبط ابن جوزی، ص ۱۱۵؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۰۲؛ جمهرة الخطب، ج ۱، ص ۴۲۸</p>	<p>ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۶۰</p>
<p>خیانت پیمان شکنی زشت کاری</p>	<p>امام علی <small>علیه السلام</small>: «به خدا، معاویه زیرک‌تر و سیاست‌مدارتر از من نیست؛ اما او خیانت می‌کند و پیمان شکنی و زشت کاری...».</p>	<p>نهج البلاغه</p>	<p>ترجمه الغدير، ج ۱۹، ص ۲۶۷</p>

دیکتاتوری بدخواه	حارث بن مسمار بهرانی می‌گوید: معاویه، صعصعه بن صوحان عبیدی و عبدالله بن کواء یشکری و تنی چند دیگر از اصحاب علی را با جمعی از رجال قریش زندانی کرد. روزی به دیدن آنها رفت و گفت: شما را به خدا قسم می‌دهم که راست و درست بگویید: به نظر شما من چگونه خلیفه‌ای هستم؟ ابن کواء گفت: «اگر ما را قسم نمی‌دادی که راست بگوییم نمی‌گفتیم؛ چون تو دیکتاتوری بدخواه و لجبازی که خدا را در نظر نگرفته و مردان پاکدامن و خوب را می‌کشی!...»	مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۸	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۷۰-۲۷۱
لجباز			
قاتل مردان پاکدامن			
شراب‌خواری	پیشوای حبیلیان، احمد حنبل در «مسند» خود روایتی ثبت کرده از طریق عبدالله بن بریده؛ می‌گوید: «من و پدرم رفتیم به دربار معاویه. ما را بر فرشی نشاند؛ بعد دستور داد برایمان خوراک آوردند و خوردیم؛ سپس دستور داد شراب آوردند، و خودش نوشید و از آن جامی تعارف پدرم کرد»	مسند احمد، ج ۵، ص ۳۴۷	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۷۹
گران‌فروشی	مالک و نسائی و دیگر محدثان از طریق عطاربن یسار چنین ثبت کرده‌اند که «معاویه، تنگی زرین یا سیمین را به مبلغی بیش از ارزش وزن آن فروخت. ابودرداء به او گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام که فرمود چنین چیزها را فقط باید به قیمت وزن آن فروخت. معاویه گفت: اما به نظر من اشکالی ندارد. ابودرداء گفت: با معاویه چه باید کرد؟ من حدیث پیامبر ﷺ را برایش می‌خوانم و او نظر شخصی خود را اظهار می‌دارد.	سنن نسائی، ج ۷، ص ۲۷۹؛ سنن بیهقی، ج ۵، ص ۲۸۰	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۲۸۷
بدعت‌گذاری	معاویه وقتی سپاه خود را به صفین می‌برد، در راه، روز چهارشنبه با آنها نماز جمعه خواند. ابن‌منذر، از قول قاسم بن محمد چنین ثبت کرده است: قبیله‌ای از معاویه پرسیدند آیا جایز است انسان دو گنیز را که خواهر یکدیگرند، باهم به همسری داشته باشد؟ گفت: اشکالی ندارد. نعمان بن بشیر سخنش را شنیده، به اعتراض گفت: این‌طور فتوا دادی؟! گفت: آری.	مروج الذهب، ج ۲، ص ۷۲؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۳۷	ترجمه الغدیر، ج ۱۹، ص ۳۰۴
ترک سنت نبوی	نسائی در «سنن» و بیهقی در «السنن الکبری»، از طریق سعیدبن جبیر این روایت را ثبت کرده است: ابن‌عباس در عرفه بود؛ از من پرسید: سعید! چرا نمی‌شنوم که مردم لبیک اللهم لبیک بگویند؟ گفتم: از معاویه می‌ترسند. ابن‌عباس از چادرش بیرون آمده گفت: لبیک اللهم لبیک، گرچه معاویه بدش بیاید. خدایا! اینها را لعنت کن؛ زیرا از سر دشمنی با علی، سنت پیامبر ﷺ را ترک کرده‌اند.	سنن نسائی، ج ۵، ص ۲۵۳؛ سنن بیهقی، ج ۵، ص ۱۱۳	ترجمه الغدیر، ج ۲۰، ص ۱۳
ترک اجرای قانون جزای اسلامی	ماوردی و دیگر مورخان نوشته‌اند: «چند دزد را پیش معاویه آوردند؛ دستور داد دستشان را قطع کنند. آخرین دزد پیش از اینکه دستش را قطع کنند، شروع به خواندن ابیاتی کرد... معاویه پرسید که با تو چه کنم، حال آنکه دست رفقایت را بریده‌ام؟ مادر آن دزد گفت: ای امیرالمؤمنین! این کار هم جزو دیگر گناهات که از آنها توبه می‌کنی. در نتیجه معاویه آن دزد را رها کرد. و این اولین باری بود در تاریخ اسلام که از اجرای قانون جزای اسلامی صرف‌نظر می‌شد.»	الاحکام السلطانیة، ص ۲۱۹؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۳۶؛ محاضرة سکتواری، ص ۱۶۴	ترجمه الغدیر، ج ۲۰، ص ۲۵

<p>لعن به امام علیؑ</p>	<p>معاویه بر سر منبر، علی را لعنت کرد و به استانداران و مأمورانش دستور داد او را از فراز منبر لعنت فرستند، و این کار را کردند. ام سلمه - همسر پیامبرﷺ - به معاویه نوشت: شما از بالای منبر، خدا و پیامبرش را لعنت می‌کنید، زیرا علی بن ابیطالبؑ و دوستانش را لعنت می‌کنید و من شهادت می‌دهم به اینکه خدا و پیامبرش او را دوست داشته‌اند. اما معاویه به سخن او اعتنایی نکرد.</p>	<p>العقدالفرید، ج ۲، ص ۳۰۱</p>	<p>ترجمه الغدیر، ج ۲۰، ص ۹۶</p>
<p>دشمنی با دین علیؑ دستور به قتل و مُتله کردن شیعیان</p>	<p>نسب‌شناس معروف، ابوجعفر بغدادی در «المحبر» می‌نویسد: «معاویه در دستورات کتبی‌اش به زیاد گفته بود: هر که را بر دین و نظریهٔ علی یافتی، بکش و جسدش را مُتله و تکه و پاره کن!».</p>	<p>المحبر، ص ۴۷۹</p>	<p>ترجمه الغدیر، ج ۲۰، ص ۱۳۶</p>
<p>ریاست‌طلبی پیمان شکنی</p>	<p>معاویه پس از مصالحه امام مجتبیؑ و ورود به کوفه، در نقش می‌گوید: «مردم کوفه! فکر می‌کنید با شما بر سر نماز و زکات و حج جنگیدم و از آن جهت که دیدم شما نماز می‌خوانید و زکات می‌دهید و به حج می‌روید؟! نه در حقیقت برای این جنگیدم که بر شما حکومت کنم و خدا با اینکه شما نمی‌خواستید، مرا به مقصود رساند. هان! هر مال و هر خونی در جریان این شورش و آشوب از بین رفته، بی‌بازخواست خواهد بود و هر چه (در پیمان مصالحه با امام) شرط شده و پذیرفته‌ام زیر این دو پایم پایمال خواهد بود.</p>	<p>شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۶؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۳۱</p>	<p>ترجمه الغدیر، ج ۲۰، ص ۱۹۳</p>
<p>قتل شیعیان امام علیؑ</p>	<p>نسابه ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی متوفی ۲۴۵ نقل کرده است: «زیاد بن ابیه، مسلم بن زیمر و عبدالله بن نجی را - که هر دو حضرمی بودند - در کوفه بر بالای خانه‌شان بر دار کشید و چند روز به همان حال بالای دار ماندند و گناهشان این بود که هر دو شیعه بودند. این امر به فرمان معاویه صورت گرفت.» مسعودی نقل کرده است: «علیؑ اشتر را به مصر فرستاد و سپاهی را با او همراه کرد. معاویه که از این خبر آگاه شد، دسیسه‌ای به کار برد و دهقانی را که در عریش بود، تشویق کرد و گفت (در صورت مسموم کردن مالک اشتر) بیست سال از پرداخت مالیات معاف خواهی بود. او سمی را در غذا به اشتر خوراند. هنگامی که اشتر در عریش پیاده شد، دهقان پرسید: چه غذا و نوشابه‌ای را بیشتر دوست دارید؟ گفته شد عسل. آنگاه دهقان عسلی برای او آورد و آن را خیلی تعریف کرد که چنین و چنان است. در آن حال اشتر روزه بود. سرانجام از آن عسل، شربتی که خورد، دیری نپایید که درگذشت.»</p>	<p>المحبر، ص ۴۷۹؛ مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۳۹</p>	<p>ترجمه الغدیر، ج ۲۱، ص ۱۰۳ و ۹۸</p>

جدول ۱: کدگذاری در معرفی شخصیت معاویه

بعد از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها پیرامون خصوصیات اخلاقی و رفتاری معاویه، به یک جمع‌بندی نسبی دست یافته‌ایم. دسته‌بندی داده‌ها براساس روان‌شناسی شخصیت، ما را به مؤلفه‌هایی از شخصیت معاویه رهنمون ساخته است که عبارت‌اند از: تکذیب اسلام و مبارزه با مظاهر آن، جهالت و گمراهی، فساد اخلاق و رفتار، همکاری با دشمنان خدا و پشتیبانی از آنها، و عاقبت نافرجام. درنهایت برای مضمون‌گیری و دسته‌بندی محدودتر، ویژگی‌های شخصیتی معاویه را به ابعاد شناختی، اعتقادی، اخلاقی و رفتاری تقسیم می‌کنیم؛ زیرا عرصه‌های وجودی انسان؛ بلکه نظام شخصیت آدمی، شامل نگرش‌ها و جهان‌بینی، گرایش‌ها و احساسات، اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی است که میان آنها ارتباط ناگسستنی وجود دارد. نتیجه این جمع‌بندی در جدول (۳) قابل مشاهده است؛

موضوع	ابعاد	مؤلفه‌ها
شخصیت معاویه	شناختی	جهالت و گمراهی
	اعتقادی	تکذیب اسلام
	گرایشی	گرایش به دشمنان خدا
	اخلاقی	فساد اخلاق
	رفتاری	مبارزه با مظاهر اسلامی و پشتیبانی از دشمنان خدا
	سرانجام زندگی	مطرود و ملعون الهی

جدول ۳: مضمون‌گیری در معرفی شخصیت معاویه

۳. تطبیق مؤلفه‌های شخصیت معاویه با آیات نفاق قرآن
قرآن کریم شخصیت افراد را براساس صفت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنان توصیف و طبقه‌بندی کرده است؛ مؤمن، کافر و منافق، سه تیپ شخصیتی است که قرآن برای هر یک از آنها نشانه‌ها و شاخص‌هایی را بیان کرده است. در این میان، بخش مهمی از آیات در معرفی چهره واقعی منافقان، صادر شده و بدین وسیله جامعه اسلامی را از نفاق آنان برحذر داشته است. قرآن کریم ویژگی‌ها و حالات فردی، نموده‌های اجتماعی و سیاسی آنان را به گونه‌ای حکایت کرده که گویا نفاق، سازمان منسجمی است که سرکردگان آن آرزویی جز براندازی نظام اسلامی ندارند (توبه: ۷۴). مردمانی که توبه و اصلاح از آنان به هیچ‌وجه انتظار نمی‌رود و حتی استغفار نبوی نیز برایشان سودی ندارد؛ چراکه آنان از فسق خود باز نمی‌گردند (منافقون: ۶). بدین علت که دل‌هایشان با اختیار خودشان، هدایت‌ناپذیر (نساء: ۸۸) و از طبع و محرومیت الهی

پس از گردآوری داده‌های تاریخی، به‌شماری از مفاهیم (کدها) در معرفی شخصیت معاویه دست یافته‌ایم؛ در ادامه به مرحله‌ای می‌رسیم که در این مرحله، به‌دسته‌بندی و مقایسه عنوانین استخراج‌شده از داده‌ها پرداخته و با مقایسه مفاهیم مختلف، زمینه‌های مشترک بیشتری را از میان آنها کشف می‌کنیم. با این کار زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم را جهت دستیابی به مؤلفه‌های اساسی فراهم می‌آوریم. نتایج این مرحله در جدول (۲) قابل مشاهده است.

مؤلفه‌ها	مفاهیم (کدها)
تکذیب اسلام و مبارزه با مظاهر آن	تکذیب مسلمانان + توطئه بر ضد دین خدا + دشمنی با دین امام علی <small>علیه السلام</small> + لعن به امام علی <small>علیه السلام</small> + نبرد با خلافت + تجاوزگری به اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> + سرپیچی + نافرمانی خدا + ترک سنت نبوی + ترک اجرای قانون جزای اسلامی + بدعت‌گذاری.
جهالت و گمراهی	سرگردانی در گمراهی + نابخردی + تقلید کورکورانه.
فساد اخلاق و رفتار	فریب‌کاری + ادعای باطل + دروغ‌پرداز + گمراه‌کننده + بزبان + پرخاشگر + بداخلاق + لجباز + رشوه‌خواری + گران‌فروشی + پیمان‌شکنی + زشت‌کاری + شراب‌خواری + سبک‌سری + خوش‌گذرانی + تحقیر مردم + ضایع کردن حق دیگران + ستم در قضاوت + تجاوز مسلحانه + خیانت + دیکتاتوری بدخواه + شرارت + افراط + غفلت + بُزدل‌ردل + قساوت + نفاق + تبهکاری + ریاست‌طلبی + بر خورداری از تمایلات بدعت‌آمیز + موجب خون‌ریزی و اختلاف + دستور به قتل شیعیان + قتل شیعیان + قاتل مردان پاکدامن + قاتل حجر، عمرین حمق و حضرمی.
همکاری با دشمنان خدا و پشتیبانی از آنها	دوست‌دار تبه‌کاران + پشتیبان مشرکان + پناهگاه منافقان.
مطرود و ملعون الهی	در اختیار شیطان + شیطان مطرود + ملعون.

جدول ۲: طبقه‌بندی مفاهیم در معرفی شخصیت معاویه

صدر اسلام بوده و از حقیقت اسلام و تعالیم نورانی آن بهره‌ای نداشته است (کفش کنان و مردانی، ۱۳۹۳).

پژوهش حاضر نیز براساس گزاره‌های تاریخی در تحلیل ابعاد شخصیت مخالفان حکومت اسلامی، با تأکید بر معاویه، به مؤلفه‌هایی دست یافته است که می‌توان با قاطعیت آنها را با شخصیت منافقان در آئینه قرآن، تطبیق داد. منافقان، کسانی که در بُعد شناختی، رفتار سرگردانی، جهالت، سفاهت و گمراهی‌اند (بقره: ۸-۱۶؛ نساء: ۱۴۳) و در بُعد اعتقادی، باوری به اسلام ندارند. از این‌رو با تمام نیرو در حال مقابله با مظاهر حق و حقانیت هستند (منافقون: ۲). در ساحت گرایشی نیز تمایل به همکاری با دشمنان خدا (مشرکان و کفار) دارند و پشتیبانی از آنها، همت اساسی آنهاست (مائده: ۵۲). اخلاق و رفتار آنان هم حکایتگر مزرعه‌ای آفت‌زده و مملو از علف‌های هرز و مسموم‌کننده است. کسانی که آبادی ظاهر و خرابی باطن (منافقون: ۴)، سرکشی (بقره: ۱۵)، نقض عهد (بقره: ۲۶-۲۷؛ حشر: ۱۱-۱۲)، خلف وعده (توبه: ۷۵)، دروغ‌گویی (منافقون: ۱)، تفرقه‌اندازی میان مسلمانان (توبه: ۱۰۷)، بازداشتن مردم از راه خداوند (منافقون: ۲)، توطئه‌چینی برای ترور و براندازی نظام اسلامی (توبه: ۷۴)، پیمان‌شکنی (حشر: ۱۱-۱۲)، تحریک دشمن برای جنگ با مسلمانان (حشر: ۱۱)، هدایت‌ناپذیری (نساء: ۸۸) و نظایر آن، از جمله خصوصیات برجسته ایشان است.

در تأیید آنچه گفتیم، می‌توان به این کلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام استشهاد کرد که در خطاب به معاویه فرمود: «ای پسر صخر لعین، گمان کردی که حلم تو هم‌وزن کوه‌هاست، و علم تو بین اهل شک حکم می‌کند؟! درحالی که تو خود سر منافق، کوردل، کم‌عقل، ترسو و رذل هستی...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۲۹۵). همچنین در جایی دیگر به معاویه این‌گونه مرقوم فرمود: «وَ ارْدَيْتَ جَيْلًا مِنَ النَّاسِ كَثِيرًا خَدَعْتَهُمْ بَغِيًّا وَ اَلْفَيْتَهُمْ فِي مَوْجٍ بَحْرِكَ تَشَاهُمُ الظُّلُمَاتُ وَ تَتَلَاطَمُ بِهِمُ الشُّبُهَاتُ [فَجَارُوا] فَجَارُوا عَنْ وَجْهِتِهِمْ وَ نَكَصُوا عَلَى اَعْقَابِهِمْ وَ تَوَلَّوْا عَلَى اَدْبَارِهِمْ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۲)؛ جمعیت زیادی از مردم را هلاک کردی؛ آنان را به گمراهیت فریفتی، و در موج دورویی خود انداختی؛ تاریکی‌ها آنان را پوشانده، و شبهه‌ها آنان را به تلاطم افکنده؛ پس از راه حق منحرف شدند، به گذشته جاهلی برگشتند... افزون بر آن، وقتی به امام علیه السلام خبر رسید که معاویه به زیادبن ابیه نامه نوشته و می‌خواهد او را با

(منافقون: ۳) برخوردار شده است. از این‌رو سرانجام زندگی شیطانی‌شان، خشم، نفرین خدا (منافقون: ۴) و لعنت الهی (فتح: ۶) خواهد بود. در نهایت جایگاه آنان در پایین‌ترین طبقه از آتش دوزخ است؛ به طوری که هرگز باوری برایشان نخواهد بود (نساء: ۱۴۵).

این عطف توجه به افشای شخصیت منافقان از سوی خداوند متعال، نشانگر آن است که خطر منافقان برای جامعه اسلامی بیش از زیان کافران و مشرکان است؛ زیرا منافقان علاوه بر کفر، به تباهی‌های نفسانی چون دروغ، کتمان حق، نیرنگ و استهزاء مبتلا هستند (بقره: ۱۰؛ توبه: ۱۲۵)؛ و افزون بر آن، چون باطن منافقان برای عموم مسلمانان قابل شناخت نیست؛ آنان با ایمان ظاهری خود، موجب گمراهی دیگران خواهند شد. چه اینکه به گزارش قرآن کریم، منافقان همچون شیطان‌اند که وعده می‌دهند و سپس از پیروان خود بیزاری می‌جویند (حشر: ۱۶).

این حقیقت در کلام علوی نیز بازتابی برجسته یافته است؛ آنجاکه به محمدبن ابی‌بکر نوشتند: «وَ لَقَدْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: اِنِّي لَا اَخَافُ عَلَى اُمَّتِي مُؤْمِنًا وَ لَا مُشْرِكًا اَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللهُ بِاِيْمَانِهِ وَ اَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْتَمِعُهُ اللهُ بِشِرْكِهِ وَ لَكِنِّي اَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ» (نقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۵۷؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۲۷)؛ پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم به من فرمود: من بر امتم از مؤمن و مشرک بیم ندارم؛ زیرا که مؤمن را خدا با ایمانش از زیان‌رسانی بازمی‌دارد، و مشرک را به شرکش سرکوب می‌کند؛ ولی بر شما از کسانی که در قلب، منافق و به زبان عالم‌اند، بیمناکم؛ که چیزی می‌گویند که آن را قبول دارید و می‌پسندید، و کاری می‌کنند که آن را ناخوش می‌دارید.

بنابراین آنچه در آن زمان به‌عنوان تهدید واقعی برای حکومت علوی به حساب می‌آمد، وجود منافقانی بود که با ظاهری فریبنده و بدنی آراسته در اجتماع حاضر می‌شدند (منافقون: ۴)؛ کسانی که در ظاهر، خود را مسلمان قلمداد می‌کردند؛ ولی در واقع، دشمنان کینه‌توزی بودند که تخم‌های حقد و کینه از عدالت اسلامی در دل‌هایشان کاشته بودند و هر لحظه به هدف براندازی حکومت اسلامی به دنبال فرصتی برای ایجاد اختلاف و آشوب می‌گشتند. از این‌رو برخی با تحلیل تطبیقی نامه‌های روشن‌گرانه امام علی علیه السلام به معاویه، با برخی از آیات نفاق قرآن، معتقدند: به‌رغم تبلیغات دستگاه اموی و پیروان ایشان، معاویه یکی از چهره‌های شاخص نفاق در

نتیجه‌گیری

برخی از نتایج و دستاوردهای این جستار از قرار ذیل است:

۱. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که تحولات حیات سیاسی امام علی علیه السلام بیش از دیگران با نام معاویه (پسر ابوسفیان) گره خورده است. این پیوند به‌گونه‌ای است که در حکومت علوی هر جا سخن از توطئه، فتنه، آشوب، آتش‌افروزی و مخالفت‌های کینه‌توزانه است، نشانی از اقدامات خصمانه معاویه مشاهده می‌شود.

۲. پژوهش حاضر با تحلیل محتوای متون تاریخی به دنبال پاسخ به این سؤال بود که؛ اقدامات خصمانه از سوی معاویه در مخالفت با حکومت علوی، معلول چه نوع شناخت، اعتقادات، خصلت‌ها و صفاتی بوده است؟ در حقیقت، براساس داده‌های تاریخی، معاویه از چه نوع شخصیت فردی و اجتماعی برخوردار است که این‌گونه به‌صورت تمام‌قد در مقابل حکومت اسلامی ایستاده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است؟ از این‌رو نوشتار پیش‌رو براساس بررسی گزاره‌های تاریخی معتبر از طریق علامه/مینی در کتاب *الغدیر*، در تحلیل ابعاد شخصیت معاویه به مؤلفه‌هایی دست یافت که می‌توان با قاطعیت آنها را با شخصیت منافقان در آئینه قرآن، تطبیق داد. معاویه در بُعد شناختی، گرفتار جهالت، سفاکت و گمراهی بود؛ و در بُعد اعتقادی، باوری به اسلام ندارد؛ بلکه به‌خاطر دشمنی با اسلام، با تمام نیرو در حال مقابله با مظاهر حق و حقانیت، یعنی اسلام و مذهب علوی بود؛ در ساحت گرایشی نیز میل به همکاری با دشمنان خدا (مشرکان و کفار) و پشتیبانی از آنها داشت. اخلاق و رفتار او هم آفت‌زده و فاسد شده بود. در نتیجه مخالفان حکومت علوی کسانی هستند که تبهکاری، سرکشی، خیانت، لجاجت، نقض عهد، خُلف وعده، دروغ‌گویی، حرام‌خواری، فریب‌کاری، قساوت، تفرقه‌اندازی میان مسلمانان، بازداشتن مردم از راه خداوند، توطئه‌چینی برای ترور افراد صالح و براندازی نظام اسلامی، تحریک دشمن برای جنگ با مسلمانان، و ده‌ها مورد مشابه آن، از جمله خصوصیات برجسته آنهاست.

۳. تاریخ‌گویای این واقعیت است که امام علی علیه السلام با اقدامات حکیمانه، از جمله؛ نامه‌نگاری‌های متعدد، نقاب از چهره منافقانه معاویه کنار زد و او را برای آیندگان، به‌عنوان نمادی جامع از نفاق و مخالفت با حق معرفی کرد تا یک الگوی رفتاری برای همیشه تاریخ در مواجهه با منافقان به یادگار بگذارد.

ملحق کردن به نسب خود بفرید، فرمود: «وَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ كَتَبَ إِلَيْكَ يَسْتَزِلُّ لُبَّكَ وَ يَسْتَفِلُّ غَرْبَكَ فَاحْذَرَهُ فَإِنَّمَا هُوَ الشَّيْطَانُ يَأْتِي الْمَرْءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ لِيَقْتَحِمَ غَفْلَتَهُ وَ يَسْتَلِبَ غِرَّتَهُ» (همان، نامه ۴۴)؛ آگاه شدم که معاویه برای لغزاندن خردت و سست کردن عزم، نامه‌ای برایت فرستاده، از او حذر کن، که بی‌تردید او شیطان است که از مقابل و پشت سر و از راست و چپ به‌جانب انسان می‌آید، تا به‌وقت غفلتش بر او هجوم آورد، و عقل ساده‌اش را بدزد.

با این توجه، امیرمؤمنان علی علیه السلام معاویه را به‌خوبی می‌شناخت و از گذشته و آینده او اطلاع داشت. از این‌رو در طی نامه‌های پُرشماری - که تعدادی از آنها در *نهج‌البلاغه* منعکس شده (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۳، ۳۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۴، ۶۵، ۷۳ و ۷۵)، ضمن معرفی خویش و استدلال به امامت خود و اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به‌هدف روشنگری افکار عمومی، شکستن جایگاه پوشالی معاویه نزد ساده‌لوحان، اتمام حجت بر او و هدایت مردم، به‌نصیحت وی پرداخته و او را از دنیاطلبی و دنیازدگی پرهیز داده است. چنان‌که به‌گواه تاریخ، معاویه فردی دنیاطلب بوده و برای رسیدن به قدرت، از انجام هیچ کاری دریغ نمی‌کرد. امام علی علیه السلام در کنار نصیحت و پاسخ‌گویی به ادعاهای دروغین او، در پاره‌ای اوقات از جمله؛ در نامه‌های ۱۰، ۲۸، ۶۴ و ۷۳ *نهج‌البلاغه* او را تهدید نظامی نیز کرده است؛ تا مبدا معاویه گمان کند که امام علی علیه السلام او را به‌حال خود واگذاشته است. برای مثال آن حضرت در نامه‌ای با قاطعیت فرموده است: «عِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَغْضَضْتَهُ بِجَدِّكَ وَ خَالِكَ وَ أَحْيِكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۴)؛ آن شمشیر که با آن جد مادری و دایی و برادرت را یک‌جا کشتم، هنوز با من است.

بنابراین امام علی علیه السلام به‌عنوان پیشوا و حاکم اسلامی در شرایطی قرار داشت که نه‌تنها معاویه به نفاق مشهور نبود؛ بلکه به‌عنوان خلیفه مسلمان، مسند و جایگاه خاصی داشت. در چنین موقعیتی، آن حضرت می‌بایست با کسی روبه‌رو شود که بسیاری از مردم او را به‌مسلمانی و حتی به صحابه و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پذیرفته‌اند. با این حال، امام علی علیه السلام در این شرایط دشوار و فتنه‌گون با سخنرانی و نامه‌نگاری‌های متعدد، نقاب از چهره منافقانه معاویه کنار زد و او را برای آیندگان، به‌عنوان نمادی جامع از نفاق معرفی کرد که در این نوشتار به گوشه‌هایی از گزاره‌های تاریخی در شناخت ابعاد شخصیت او اشاره شد.

۴. از آنجاکه افراد مختلف و گروه‌های گوناگونی از جمله معاویه، مغیره، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، ابوهریره، عبدالله بن عمر، محمد بن مسلم، مروان بن حکم و امثال آنها در صف معاندان و مخالفان حکومت عادلانه امام علی^ع حضور داشته‌اند؛ پیشنهاد می‌شود در تحقیقی مستقل با تحلیل شخصیت افراد یادشده به «گونه‌شناسی جامع از مخالفان حکومت علوی» پرداخته شود.

منابع.....

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
 ابراهیم‌زاده آملی، نبی‌الله، ۱۳۷۹، «انگیزه‌های مخالفت با حکومت علوی»، حکومت اسلامی، سال پنجم، ش ۴ (۱۸)، ص ۳۱۱-۳۶.
 ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله، ۱۳۷۵، *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
 ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله، ۱۳۸۷ق، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث.
 ابن‌اثیر، عزالدین، ۱۴۱۷ق، *الکامل فی‌التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
 ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ابن عدبره، شهاب‌الدین، ۱۹۰۴م، *العقد الفريد*، قاهره، دارالکتب العلمیه.
 ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۱۰ق، *الامامة والسياسة*، قاهره، دارالأضواء.
 ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
 اسلامی خرمی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *شخصیت و نقش اجتماعی معاویه در نهج البلاغه*، پایان‌نامه سطح ۳، قم، حوزه علمیه.
 امینی، عبدالحسین، بی‌تا، *الغدير*، ترجمه جمعی از نویسندگان، تهران، بنیاد بعثت.
 ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال سوم، ش ۲، ص ۱۵-۴۴.
 بشیر، حسن و محمد جانی‌پور، ۱۳۸۸، «شخصیت‌شناسی معاویه در کلام امیرالمؤمنین علی^ع»، *دین و ارتباطات*، سال شانزدهم، شم ۲ و ۱، ص ۱۴۷-۱۷۸.
 بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۲۴ق، *السنن الكبرى*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید، ۱۳۹۵ق، *الغارات*، تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، منشورات انجمن آثار ملی.
 زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۲ق، *ربیع الأبرار و نصوص الأخیار*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 سبط ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی، ۱۴۱۸ق، *تذکرة الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأنمة*، قم، شریف الرضی.
 سکتواری بسنوی، علاء‌الدین علی دره، ۱۴۲۴ق، *محاضرة الأوائل و مسامرة*

الأواخر، تحقیق سمیر بسینوی، منصوره، مکتبه الایمان.
 سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۴ق، *الدر المشور فی التفسیر المأثور*، بیروت، دارالفکر.
 شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۸، «نگاهی به ریشه‌های نظریه صفات شخصیت در اخلاق»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، ش ۴، ص ۱۲۹-۱۵۳.
 شولتز، پی دوان، ۱۳۹۵، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
 شیبانی، احمد بن محمد بن حنبل، ۱۴۱۴ق، *مسند احمد*، تحقیق عبدالله محمد درویش، بیروت، دارالفکر.
 صفوت، احمد زکی، ۱۳۵۲ق، *جمهرة خطب العرب فی عصور العربیة الزاهرة*، بیروت، المکتبه العلمیه.
 طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳ق، *تاریخ طبری*، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 عادل مهربان، مرضیه، ۱۳۹۴، *مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش*، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.
 ککش‌کنان، محمدحسن و مهدی مردانی، ۱۳۹۳، «تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی^ع به معاویه با آیات نفاق قرآن»، *حدیث اندیشه*، ش ۱۸، ص ۷۷-۱۰۰.
 ماوردی، ابوالحسن، ۱۳۲۷ق، *الأحكام السلطانية*، تحقیق احمد جاد، مصر، دارالحدیث.
 مبلغ، نرگس‌سادات و مصطفی دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶، «تحلیل شخصیت معاویه براساس گزارش‌های تاریخی حکومت او»، *پژوهشنامه علوی*، سال هشتم، ش ۱، ص ۷۱-۹۶.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۸، *بحارالانوار*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ق، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، هجرت.
 منقری، نصرین مزاحم، ۱۴۰۴ق، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
 نسائی، احمد بن شعیب، ۱۴۰۶ق، *سنن نسائی*، تحقیق عبدالفتاح ابوغده حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیه.
 نیک‌صفت، ابراهیم، ۱۳۸۶، «روش‌های سنجش شخصیت از منظر دین و روان‌شناسی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۴۹-۱۸۶.
 هلالی، سلیم بن قیس، ۱۳۷۳، *کتاب سلیم بن قیس*، ترجمه و تحقیق اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، چ سوم، قم، الهادی.
 یزدی، محمدحسن، ۱۳۸۳، *سیف‌الواعظین والذاکرین* (تاریخ تفصیلی جنگ‌های جمل، صفین و نهروان)، تحقیق و نگارش مهدی احمدی، قم، تقلین.